

■ **«توماس مان»** رمان‌نویس مشهور آلمانی در جایی بیان کرده‌است: «جنگ، فراری بز دلانه از مشکلات صلح است». شاید این جمله بشدت ضد و نقیض به نظر برسد اما اگر نگاهی به مشکلات درونی دولت‌ها و روسای جمهور کشورهایی داشته باشیم که آنها را با واژه ابرقدرت می‌شناسیم، بیش از پیش به این مطلب بی‌می‌بریم که بسیاری از جنگ‌های به راه افتاده توسط این دولت‌ها تنها راهی برای فرار از مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی‌شان بوده است

گزارش «وطن امروز» درباره دلایل ناکامی سیاست‌های ضد ایرانی دولت آمریکا؛ از برجام تا ماجرای گرانی بنزین

تراмп را بجنابان

نمانه اکوان: دونالد ترامپ بعد از انتخاب شدن به عنوان رئیس‌جمهور ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۶ تصویر کلی از سیاستی که باید در قبال ایران در پیش بگیرد در ذهن داشت. او می‌دانست به دلیل حمایت سرمایه‌داران صهیونیست از دولتش باید خواسته‌های آنها را به‌طور تمام و کمال اجرایی کند. به گزارش «وطن‌امروز» از سوی دیگر او به دنبال نابودسازی تمام میراث اوپاما در سیاست خارجی کشورش بود و چه چیز بهتر از توافق‌ی که اوپاما در دقیقه ۹۰ با ایران بر سر مسأله هسته‌ای به دست آورده بود؟ به همین دلیل بود که تصویر کلی دولت چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا برای بر‌خورد با ایران، خارج شدن از توافق هسته‌ای، از سوی دیگر تلاش برای کشاندن ایران بای میز مذاکره برای بذرفتن شرایط «تسلیم» و در عین حال به کار بردن آخرین تیرهای در ترکش سلاح تحریم برای به زانو در آوردن نظام جمهوری اسلامی بود.

استفاده از نیروی نظامی در ظاهر را کاملاً از رده خارج کرد. به همین دلیل است که روز یکشنبه روزنامه نیویورک‌تایمز به نقل از یکی از ژنرال‌های بلندپایه ارتش آمریکا نوشت پیاده کردن بیش از ۱۴ هزار نیرو در خلیج‌فارس از ابتدای بهار سال جاری تاکنون برای مقابله با تهدیدات ایران نتوانسته این تهدیدات را که به‌صورت بالقوه علیه نیروهای آمریکایی و متحدانش وجود دارد از بین ببرد. ژنرال «کنت مک‌کنزی» اظهار امیدواری کرده است‌اوردن این تعداد نیرو شاید بتواند جلوی حملات احتمالی ایران را به اهداف آمریکایی مثل آنچه درباره پهباد آمریکا در ماه ژوئن سال جاری میلادی (مرداد ماه) رخ داد بگیرد اما مطمئناً اگر درگیری با اقدام تحریک‌آمیزی رخ دهد، نمی‌تواند جلوی حملات ایران به نیروهای متحد آمریکا بویژه کشورهای عرب منطقه را بگیرد.

نیویورک‌تایمز به این مسأله اشاره کرده که ژنرال مک‌کنزی در این گفت‌وگو بدون اینکه سندی برای گفته‌های خود داشته باشد، ایران را متهم به حمله به تأسیسات نفتی آرامکو عربستان سعودی کرده‌است؛ حمله‌ای که حوثی‌های یمنی مسؤولیت آن را بر عهده گرفتند. فرمانده قوای آمریکایی در خلیج‌فارس بر همین مبنا بدون اینکه اشاره‌ای به اسناد و مدارک یا شواهد جدید در این‌باره داشته باشد، بیان کرده نیروهای نظامی آمریکا الگویی از فعالیت‌های ایران را کشف کرده‌اند که باعث گرانی آنها برای آینده شده است. نکته‌جالب در گزارش نیویورک‌تایمز اشاره تلویحی این‌روزنامه آمریکایی به این مسأله است که کشورهای عرب منطقه هم مانند آمریکایی‌های‌م‌اندند در صورتی که‌ایران بخواهد منافع آنها را مورد تهدید قرار دهد، راه چاره‌ای برای مقابله با آن ندارند. به همین دلیل نوشته است: «هزار مقامات پنتاگون درباره بی‌اثر بودن خاصیت بازدارنده ای‌ن‌های یمنی‌نظامی به منطقه در شرایطی است که متحدان آمریکا مانند امارات طی چندوقت‌اخیر به دنبال کاهش تنش‌ها با ایران بوده‌اند. اماراتی‌ها در این زمینه راه خود را از دولت تدروی ترامپ جدا کرده و هیأتی از نیروهای

آرزوهای محال ترامپ!

نظامی‌اش در منطقه علیه آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن و همچنین گسترش روابط دیپلماتیک خود با کشورهای متحد منطقه‌ای یا حتی کشورهای اروپایی اشاره کرد.

البته‌برخی تحلیلگران در اروپا معتقدند ترامپ با تند کردن فضا و به کار بردن روش‌هایی جهت وارد کردن انواع و اقسام اتهامات علیه ایران، توانسته بخوبی فضا را علیه ایران در اروپا مدیریت کند و همه اینها به این دلیل صورت گرفته که بتواند نظر مساعد کشورهای اروپایی را برای بازگردنن پرونده ایران به شورای امنیت جلب کند یا از آنها بخواهد که از برجام خارج شوند. او همچنین از متحدان اروپایی خود می‌خواهد جلوی اقدامات ایران در منطقه را بگیرند و اجازه ندهندن ایران به فعالیت‌های خود در منطقه ادامه دهد. با این حال به نظر می‌رسد همه این مسائل بیشتر شبیه به فکر کردن به آرزوها در فضای امیدهای واھی واشنگتن و بی‌اعتمادی‌های فراوان بین‌قاره‌ای بین اروپا و آمریکا باشد.

فردریک کمپ معتقد است: مقامات دولت ترامپ بر این عقیده‌اند که تحریم‌های سنگین به کار گرفته شده علیه ایران می‌تواند دسترسی ایران به منابعش را از بیسن برده و میزان همکاری ایران با نیروهای متحدش در منطقه را کاهش دهد. این مسأله اگر همراه با اعتراضات در ایران و سایر کشورهای منطقه در نظر گرفته شود، می‌تواند توان و انرژی نظام جمهوری اسلامی را گرفته و آن را در مقابل خواسته‌های واشنگتن بی‌فداغ و بی‌سلاح کند. با این حال این کار ممکن است با سلاح بسیار تیز و برنده افزایش تنش‌های نظامی بین ایران و آمریکا همراه شود؛ سلاچی که یک بار در ژوئن سال جاری توانست پهباد آمریکایی را بر فراز

شکست آخرین تلاش‌های دیپلماتیک ضد ایرانی آمریکا در عراق

همکاری بین ۲ کشور در چارچوب توافقنامه راهبردی» تأکید کرد. خبرگزاری رویترز نیز گزارش داد که پنس در این تماس، مدعی شده ترامپ به «عراق دارای حاکمیت» باور دارد و از «تأثیر مخرب ایران در سراسر این کشور» نگران است.

خبرهای غیررسمی نیز حکایت از این دارد که مایک پنس به عبدالمهدی وعده داده بود که اگر روابط خود با ایران از قطع کرده و حشدالشعبی را برایی همیشه منحل کند، آمریکا نیز وعده می‌دهد کمک کند تا اعتراضات در عراق پایان یابد اما عبدالمهدی با این معامله سیاسی موافقت نکرده است. معاون ترامپ پس از بازدید از عین‌الاسد، عازم اربیل شد. وی در جریان دیدار با بارزانی، ادعا کرد که واشنگتن امیدوار است روابط خوب خود را با کردها حفظ کند.الاخبر در ادامه گزارش داد، صرفنظر از اظهارات علنی، ظاهراً دیدار نکردن مسؤولان عراقی با پنس، ناشی از سردی روابط بین واشنگتن و بغداد است؛ زیرا آمریکا می‌بیند که عراق به ایران متمایل است. مسؤولان آمریکا در همین ارتباط گفتند که پنس، عبدالمهدی را تشویق کرده عراق را از ایران دور و رابطه خود را با تهران قطع کند. یک مسؤول برجسته عراقی هم گفت فاصله بین عراق و آمریکا هیچ‌گاه مانند امروز، آنقدر زیاد نبوده است و همچنان بر این فاصله افزوده می‌شود. شاید آنچه بر خشم آمریکا افزوده، این است که عراق توانسته است از بحران موجود در این کشور عبور کند و گام‌های اصلاحی را بردارد. بنا بر این گزارش، آمریکا در واکنش به این مسائل، به استفاده از گزینه‌های دیگر روی آورده است. زمزمه‌هایی از فشارهای آمریکا برای برکناری «نصور المرعید» استنادل نینواو جایگزین کردن «نجم‌الجبوری» به جای وی، به گوش می‌رسد.

الجبوری یکی از کسانی است که متهم است در سال ۲۰۱۴، روند ورود داعش به موصل را تسهیل کرده بود. ظاهراً این تلاش‌ها، در ادامه تلاش‌های آمریکا برای فراهم کردن زمینه در

تلاش چندین برای اثربخش جلوه دادن سیاست فشار حداکثری ترامپ هم از نظر کارشناسان موجه و درست به نظر نمی‌رسد. آنها معتقدند با وجود اینکه اعتراضاتی در ایران نسبت به وضعیت معیشتی و اقتصادی رخ داده اما جمهوری اسلامی باز هم راهکارهایی برای رهایی از این وضعیت در اختیار دارد و تنها باید انتخاب کند که می‌خواهد به کدام‌یک از این راه‌ها متوسل شود یا اینکه می‌خواهد مخلوطی از این راه‌ها را امتحان کند. شبکه خبری «CNBC» در همین زمینه گزارش داده است ایران در مقابل یک آزمایش تاریخی قرار گرفته است. تحلیلگر اندیشکده شورای اتلانتیک در مطبلس که در سایت این شبکه خبری منتشر شده، نوشته است: «ایران با باید به کمپین فشار حداکثری ترامپ با افزودن به فعالیت‌های نظامی خود در منطقه پاسخ دهد یا با افزودن به فعالیت‌های دیپلماتیکش یا با رفتن به سمت هر دو مسیر».

فردریک کمپ، مدیر اندیشکده شورای اتلانتیک در این‌باره بیان کرده در صورتی که به اعتراضات در ایران، عراق و لبنان افزوده شود، مطمئناً ایران به دنبال پاسخی فوری برای این بحران خواهد بود. ایران دیگر منتظر نمی‌ماند که دوره ریاست‌جمهوری ترامپ پایان یابد و او از کاخ سفید خارج شود.

بسیاری بر این عقیده‌اند که افزایش فشارها بر ایران به این دلیل است که ترامپ اعتقاد دارد هر اتفاقی قرار است بیفتد باید در دوره او بیفتد و بدین ترتیب به سمت راه‌حل فوری با بحران فوری می‌رود. با این حال ایران هم راه‌حل‌های فوری دیگری در اختیار دارد که از جمله آنها می‌توان به افزودن بر میزان فعالیت‌های

معاون رئیس‌جمهور آمریکا هفته جاری به عراق سفر کرد ولی جدا از اینکه هیچ‌یک از مسؤولان عراقی با وی دیدار نکردند، مسأله‌ای که نشان‌دهنده فاصله زیاد روابط واشنگتن و بغداد است، این است که آنها به هیچ‌کدام از خواسته‌های آمریکا برای قطع روابط تهران-بغداد یا کم کردن از میزان روابط نیز توجهی نکردند و مایک پنس با دست خالی به واشنگتن بازگشت.

مایک پنس معاون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شنبه هفته جاری به سفر از پیش اعلام نشده، وارد عراق شد ولی مسأله قابل توجه این بود که عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق یا هیچ یک از مسؤولان وابسته به دولت مرکزی این کشور با پنس دیدار نکردند.

پنس اما به منطقه کردستان عراق رفت و با «چیروان بارزانی» رئیس این منطقه دیدار کرد، البته برخی منابع دولتی عراق به روزنامه‌ال‌اخبر گفتند پنس، از پایگاه «عین‌الاسد» واقع در غرب عراق بازدید کرده است. این پایگاه، محل حضور نظامیان آمریکایی است که در استان الانبار واقع شده است.

به گفته این منبع، هدف از بازدید پنس از عین‌الاسد، دیدار با نظامیان این کشور در عراق بود و این دیدار «با بغداد هماهنگ شده بود». این پایگاه در بغداد یا اطراف آن قرار ندارد و اگر چنین بود، پنس با نخست‌وزیر عراق ا دیدار می‌کرد، ولی به همین دلیل، طرفین ترجیح دادند به یک تماس تلفنی ا بسنده کنند». این در حالی است که دفتر «هرم صالح» رئیس‌جمهور عراقی هر گونه اطلاع قبلی از این سفر را تکذیب کرد ولی دفتر عبدالمهدی با انتشار بیانیهای خبر داد که وی با پنس تماس تلفنی داشته و طرفین، تحولات عراق و تلاش‌های دولت و اقدامات اصلاحی آن را بررسی کردند. عبدالمهدی در این تماس، «بر اهمیت حاکمیت و استقلال عراق، برقراری امنیت و ثبات، حمایت از منافع تمام اقشار و مذاهب ملت عراق، انحصار سلاح در دست حکومت و

سه‌شنبه ۵ آذر ۱۳۹۸
وطن‌امروز | شماره ۲۸۰۰
راهبرد

WAG THE DOG



ایران یعنی منطقه؛ منطقه یعنی ایران

میلادی و اولین نمایش فیلم سینمایی «سگ را بجنابان» (Wag The Dog) به نظریه «جنابان‌سگ» در عالم روابط بین‌الملل معروف شد. داستان این فیلم، نشان می‌داد که یک مشاور رسانه‌ای چطور از هنر فیلمسازی هالیوود استفاده کرد تا جنگی ساختگی را در آلبانی به راه بیندازد؛ بلکه بتواند توجه افکار عمومی را از ماجرای رسوایی جنسی رئیس‌جمهور دور کرده و به سمت جنگ سوق دهد. البته این فیلم دقیقاً ۲ ماه قبل از آشکار شدن رسوایی جنسی «بیل کلینتون» در کاخ سفید منتشر شد و نشان می‌داد ربطی به این ماجرا نداشته است اما زمانی که در بحبوحه مطرح شدن استیضاح او در مجلس نمایندگان، دولت آمریکا به عراق حمله کرد، این فیلم به یک نظریه گسترده و معروف در روابط بین‌الملل تبدیل شد. این سناریو هم‌اکنون نیز که استیضاح ترامپ تنها داستان و ماجرای مطرح در راهروهای کنگره است، با وجود اینکه تا حد زیادی ترنخما شده است، باز هم به نظر می‌رسد برای ترامپ کارایی دارد. قرار نیست اعتراضات در ایران یا حتی عراق و لبنان منجر به حمله آمریکا به این کشورها یا هر حمله‌ای از طرف راه‌ماهی آمریکا به کشورهای منطقه شود اما در شرایط امروز دنیا راه‌ماهی کم‌هزینه‌تری نسبت به جنگ نیز وجود دارد و آن ایجاد اغتشاش و آشوبگری در کشورهای هدف با استفاده از ظرفیت‌های داخلی همین کشورهاست. سناریوی سیاسی ترامپ برای کشورهای منطقه، در واقع همان سناریوی به راه انداختن جنگ در آلبانی در فیلم معروف هالیوودی است تا بلکه بتواند کمی از بحران تمرکز افکار عمومی آمریکا بر مسأله استیضاحش بکاهد.

با این حال پایان گرفتن اعتراضات در ایران و تلاش ایران برای ثبات منطقه و بویژه عراق بسیاری از برنامه‌ها و نقشه‌های آمریکا را بر هم زده و دولت ترامپ را با مشکل بزرگی هم در خاورمیانه و هم در کاخ سفید مواجه خواهد کرد. ترامپ برای باقی ماندن در کاخ سفید بیش از هر چیز به یک دشمن شماره یک نیاز دارد و این دشمن باید در شرایط بدی قرار داشته باشد که نیاز به مذاکره با ترامپ داشته باشد. اگر این نیاز منجر به مذاکره تا قبل از انتخابات شود، او دیگر از حالا خود را برنده نهایی انتخابات ۲۰۲۰ می‌داند اما اگر مذاکره هم نشود، به زانو در آوردن دشمن می‌تواند باز هم برگ برنده‌ای در اختیارش قرار دهد. با این حال به نظر نمی‌رسد در هر دو مورد ایران یا متحدان منطقه‌ای ایران گزینه مناسبی برای فعالیت‌های انتخاباتی ترامپ باشند.

او در این زمینه حالا گزینه‌های اندکی در اختیار دارد که سعی دارد از همه آنها به نحو ممکن تا زمان برگزاری انتخابات دوم دور ریاست‌جمهوری‌اش استفاده کند؛ مسأله مذاکره با کره‌شمالی، مسأله ایران و همچنین مسأله اعتراضات عراق و پرونده اعتراضات هنگ‌کنگ. رسانه‌های حامی ترامپ بتازگی موجی تازه از حمایت از سیاست‌های او در قبال تحولات در ۴ کشور را آغاز کرده‌اند.

فاز اخیر در سیاست «فشار حداکثری» را می‌توان فاز سیاسی این سیاست دانست. تاکنون دولت ترامپ از نظر اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی در برابر ایران زمین بازی را به جمهوری اسلامی واگذار کرده اما باز هم اصرار دارد به سیاست غلط خود در برخورد با ایران ادامه دهد. این بار اما همان‌طور که در زمین بازی نظامی نیز مطرح شده بود، کشور ایران تنها در این بار بر خلاف سال ۸۸ که در محدوده مرزهای ایران اجرایی شده، به مرزهای جغرافیایی نفوذ ایران یعنی عراق، لبنان و یمن نیز کشیده شده است. اعتراضات معیشتی و اقتصادی در عراق و لبنان کلید خورده و به وسیله سازمان‌های وابسته به آمریکا و سفارتخانه‌های این کشور با متحدانش به آتش اختلافات و اعتراضات دامن زده می‌شود. کلیدواژه اصلی آشوبگرانی که توسط سفارتخانه‌های آمریکا هدایت می‌شوند، ایران است.

در رسانه‌های غربی و آمریکایی نیز سعی می‌شود تا جایی که می‌توان، از تحلیل‌هایی استفاده کرد که نشان دهد ایران در حال افزایش دادن حوزه نفوذ خود در عراق و لبنان است. استغفای نیمی از کابینه عبدالمهدی و آغاز اصلاحات توانست این توطئه آمریکایی‌ها را در عراق تا حد زیادی خنثی کند و از میزان معترضان بکاهد. با این حال این آتش نباید به این زودی خاموش شده؛ به همین دلیل اسنادی منتشر می‌شود به نام «ایران کابل» (Iran Cable) که نشان می‌دهد نفوذ ایران در دولت عراق از ابتدای شکل‌گیری دولت‌های این کشور بعد از سقوط صدام، بسیار زیاد بوده و روز به روز نیز افزایش پیدا کرده است. این اسناد اگرچه در رسانه‌های غربی به وفور مورد تحلیل و بحث قرار می‌گیرد اما باز هم نمی‌تواند درصد بسیار زیادی از افکار عمومی را در عراق قانع کند و توجه چندانی به پروژه «سنسناسازی» نمی‌شود.

بعد از عراق و لبنان و همچنین پرداختن به مسأله یمن در راستای تجزیه این کشور، حالا نوبت داخل ایران بود که بتوانند فشارهای سیاسی علیه کشورمان را در حوزه داخلی‌تر و حلقه کوچک‌تری ادامه دهند اما این فشار غیر از اینکه قرار بود برای پیشبرد اهداف ترامپ در ماجرای هسته‌ای کارایی داشته باشد، هدف‌های دیگری را نیز در داخل آمریکا برای او به دنبال می‌آورد و مهم‌ترین آن رهایی از مسأله استیضاح در افکار عمومی این کشور است.

■ **سگ را بجنابان!**

«توماس مان» رمان‌نویس مشهور آلمانی در جایی بیان کرده است: «جنگ، فراری بز دلانه از مشکلات صلح است».

شاید این جمله بشدت ضد و نقیض به نظر برسد اما اگر نگاهی به مشکلات درونی دولت‌ها و روسای جمهور کشورهایی داشته باشیم که آنها را با واژه ابرقدرت می‌شناسیم، بیش از پیش به این مطلب پی‌می‌بریم که بسیاری از جنگ‌های به راه افتاده توسط این دولت‌ها تنها راهی برای فرار از مشکلات سیاسی و اقتصادی داخلی‌شان بوده است. این فرضیه بعد از سال ۱۹۹۷

DUSTIN HOFFMAN ROBERT DE NIRO

WAG THE DOG



اصلاح سگ را بجنابان، از یک ضرب‌المثل آمریکایی گرفته شده است که بیان می‌کند سگ باهوش‌تر از دمش است. اگر دم باهوش‌تر از سگ بود، آرزو دم سگ را می‌جناباند. این ضرب‌المثل بدین معنی است که اگر آدم باهوش باشد، می‌تواند کاری را انجام دهد که هیچ‌سگ انتظارش را ندارد و حواسی و افکار آدم‌ها را به سمت مسائل دیگری تغییر جهت دهد.